



**وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی**

فارسی (3) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۳۳۰
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

محرران: بهرام محمدیان، عباسعلی وفا، احمد خاتمی، حسین قاسمی، حسن نوافلاری، علی اکبر کمالی نهد، فلان‌رضا عمرانی، معصومه نجفی باقری، علی‌واسو جویباری، سید شعیان حسینی امینی، علی شیدا، ملاحت نجفی و محمد نوربان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
حسین قاسمی، محمد شهناز عبادتی، محمدرضا سنگری و احمد تمیهداری (اعضای گروه تألیف - حسین داوودی (ویراستار))

آغاز کتب نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری، صفحه‌آرا و طراح جلد)، حسین صافی، مسعود سید کشمیری (تصویرگران) - بهمنز بهبود، زهرا ایمانی نصرعلی نجفی، شهلا دالایی، زینت بهشتی شیرازی و حمید لبت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۳۱۱۶۰۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۲۲۲۵۹

وبسایت: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (درویشی) تلفن: ۰۲۴۹۸۵۱۶۰، دورنگار: ۰۲۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۲۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
چاپ هشتم ۱۴۰۳

نام کتاب:
پدیده آورنده:
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:
شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

ناشر:

چاپخانه:
سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۳-۳۱۰۳-۰۵-۹۷۸-۹۶۴
ISBN: 978.964.05.3103_7



**وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی**

فارسی (3) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۳۳۰
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

محرران: بهرام محمدیان، عباسعلی وفا، احمد خاتمی، حسین قاسمی، حسن نوافلاری، علی اکبر کمالی نهد، فلان‌رضا عمرانی، معصومه نجفی باقری، علی‌واسو جویباری، سید شعیان حسینی امینی، علی شیدا، ملاحت نجفی و محمد نوربان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
حسین قاسمی، محمد شهناز عبادتی، محمدرضا سنگری و احمد تمیهداری (اعضای گروه تألیف - حسین داوودی (ویراستار))

آغاز کتب نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری، صفحه‌آرا و طراح جلد)، حسین صافی، مسعود سید کشمیری (تصویرگران) - بهمنز بهبود، زهرا ایمانی نصرعلی نجفی، شهلا دالایی، زینت بهشتی شیرازی و حمید لبت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۳۱۱۶۰۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۲۲۲۵۹

وبسایت: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (درویشی) تلفن: ۰۲۴۹۸۵۱۶۰، دورنگار: ۰۲۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۲۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
چاپ هشتم ۱۴۰۳

نام کتاب:
پدیده آورنده:
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:
شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

ناشر:

چاپخانه:
سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۳-۳۱۰۳-۰۵-۹۷۸-۹۶۴
ISBN: 978.964.05.3103_7

کارگاه متن پژوهی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

واژه معادل	معنا
.....	دارای نشان پیامبری
.....	شادی بخش
.....	به خدای تعالی بازگشتن
.....	قطع کردن مقرری

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املائی بیابید و بنویسید.

ح (.....)

ق (.....)

ع (.....)

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

بوی گُلَم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

قلمرو زبانی

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

معادل معنایی	معنا
.....	دارای نشان پیامبری
.....	شادی بخش
.....	به خدای تعالی بازگشتن
.....	قطع کردن مقرری

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املائی بیابید و بنویسید.

ح (.....)

ق (.....)

ع (.....)

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

بوی گُلَم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

چو عاجز گشت خسرو در جوابش نیامد بیش پرسیدن صوابش
 به یاران گفت کز خاکی و آبی ندیدم کس بدین حاضر جوابی
 نظامی

- ۲ متن درس از نظر شیوه بیان (جد - طنز) با این سروده حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟
 با محتسبیم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

قلمرو فکری

۱ هر یک از مصراع‌های زیر، به کدام پدیده اجتماعی زمان شاعر اشاره دارد؟

- گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» (.....)
- گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست.» (.....)

۲ در هر یک از بیت‌های زیر، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

بیت هشتم	
بیت نهم	

۳ درباره ارتباط موضوعی متن درس با هر یک از بیت‌های زیر توضیح دهید.

- دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم حافظ
- گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو از برهنه کسی توان بردن گرو؟» مولوی

۴

چو عاجز گشت خسرو در جوابش نیامد بیش پرسیدن صوابش
 به یاران گفت کز خاکی و آبی ندیدم کس بدین حاضر جوابی
 نظامی

- ۲ متن درس از نظر شیوه بیان (جد - طنز) با این سروده حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟
 با محتسبیم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

حافظ

قلمرو فکری

۱ هر یک از مصراع‌های زیر، به کدام پدیده اجتماعی زمان شاعر اشاره دارد؟

- گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» (.....)
- گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست.» (.....)

۲ در هر یک از بیت‌های زیر، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

بیت هشتم	
بیت نهم	

۳ درباره ارتباط موضوعی متن درس با هر یک از بیت‌های زیر توضیح دهید.

- مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس توبه فرمایان چرا خود توبه کمتری کنند حافظ
- گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو از برهنه کسی توان بردن گرو؟» مولوی

۴

محمدعلی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.

- آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز بقیس کرد که او اهرمن است
- خانهای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الخزن است

۲ در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طُرف چمن است

ب) مردم صاحب‌قلم

- ۳ به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمدتقی بهار، عارف قزوینی و فرّخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت.

■ از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

۴ فرّخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

۵ با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

- جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن پذیر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
عارف قزوینی

- فرّخی زجان و دل می‌کند در این محفل دل نثار استقلال، جان فدای آزادی
فرّخی یزدی

۶

محمدعلی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.

- آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز بقیس کرد که او اهرمن است
- خانهای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الخزن است

۲ در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طُرف چمن است

ب) مردم صاحب‌قلم

- ۳ به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمدتقی بهار، عارف قزوینی و فرّخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت.

■ از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

۴ فرّخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

۵ با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

- جامه‌ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن پذیر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
عارف قزوینی

- فرّخی زجان و دل می‌کند در این محفل دل نثار استقلال، جان فدای آزادی
فرّخی یزدی

۶

درس هفتم

در حقیقت عشق



بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال» و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند و هیچ کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد؛ پس چون نیک اندیشه کنی، همه طالب حُسن اند و در آن می‌کوشند که خود را به حُسن رسانند و به حُسن - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حُسن ممکن نشود، آلا به واسطه عشق و عشق، هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی ماوا نکند و به هر دیده روی ننماید. محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند و عشق خاص تر از محبت است؛ زیرا که همه عشقی محبت باشد اما همه محبتی عشق نباشد و محبت خاص تر از معرفت است؛ زیرا که همه محبتی معرفت باشد اما همه معرفتی محبت نباشد. پس اول پایه معرفت است و دوم پایه محبت و سیم پایه عشق. و به عالم عشق - که بالای همه است - نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

فی حقیقة العشق، شهاب الذین سهروردی

فارسی ۳

۵۴

درس هفتم

در حقیقت عشق



بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال». و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند. و هیچ کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد؛ پس چون نیک اندیشه کنی، همه طالب حُسن اند و در آن می‌کوشند که خود را به حُسن رسانند و به حُسن - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حُسن ممکن نشود؛ آلا به واسطه عشق، و عشق، هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی ماوا نکند و به هر دیده، روی ننماید. محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. و عشق خاص تر از محبت است؛ زیرا که همه عشقی محبت باشد اما همه محبتی عشق نباشد. و محبت خاص تر از معرفت است؛ زیرا که همه محبتی معرفت باشد اما همه معرفتی محبت نباشد. پس اول پایه معرفت است و دوم پایه محبت و سیم پایه عشق. و به عالم عشق - که بالای همه است - نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

فی حقیقة العشق، شهاب الذین سهروردی

فارسی ۳

۵۴



سودای عشق

در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند. عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری نهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.

در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست با جان بودن به عشق در سلمان نیست

ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است، و لایذ هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان. عشق، بنده را به خدا برساند؛ پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد. کار طالب آن است که در خود جز عشق نطلبید. وجود عاشق از عشق است؛ بی عشق چگونه زندگانی کند؟! حیات از عشق می‌شناس و مَمات بی عشق می‌یاب.

سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید. هر که عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد، و خودرای بود. عاشقی بی‌خودی و بی‌رایی باشد.

در عالم پیر، هر کجا برزانی است عاشق پا که عشق خوش سودایی است

ای عزیز! پروانه، قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا؟ زیرا که عشق، همه خود آتش است.

این حدیث را گوش دار که مصطفی ﷺ گفت: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا عَبَّدَهُ غَشِقَهُ وَ غَشِقَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ عَبْدِي أَنْتَ عَائِشِي وَ مُجْتَبِي، وَ أَنَا عَائِشِي لَكَ وَ مُجَبُّ لَكَ إِنْ أَرَدْتُ أَوْ لَمْ تُرِدْ.» گفت: «او بنده خود را عاشق خود کند، آنگاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی، و ما معشوق و حبيب توایم [چه بخواهی و چه نخواهی].»

تمهیدات، عین القضاة همدانی



سودای عشق

در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند. عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری نهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.

در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست با جان بودن به عشق در سلمان نیست

ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است و لایذ هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان. عشق بنده را به خدا برساند؛ پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد. کار طالب آن است که در خود جز عشق نطلبید. وجود عاشق از عشق است؛ بی عشق چگونه زندگانی کند؟! حیات از عشق می‌شناس و مَمات بی عشق می‌یاب.

سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید. هر که عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد، و خودرای بود. عاشقی بی‌خودی و بی‌رایی باشد.

در عالم پیر، هر کجا برزانی است عاشق پا که عشق خوش سودایی است

ای عزیز، پروانه قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا؟ زیرا که عشق همه خود آتش است.

این حدیث را گوش دار که مصطفی ﷺ گفت: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا عَبَّدَهُ غَشِقَهُ وَ غَشِقَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ عَبْدِي أَنْتَ عَائِشِي وَ مُجْتَبِي، وَ أَنَا عَائِشِي لَكَ وَ مُجَبُّ لَكَ إِنْ أَرَدْتُ أَوْ لَمْ تُرِدْ.» گفت: «او بنده خود را عاشق خود کند، آنگاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی و ما معشوق و حبيب توایم [چه بخواهی و چه نخواهی].»

تمهیدات، عین القضاة همدانی